



امام علی(ع) و نهج البلاغه از نگاه «ریمون قسیس» شاعر مسیحی معاصر لبنانی

زهرا افضلی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۰۵

چکیده

شخصیت‌های بزرگ و جاودان همواره زینت‌بخش صفحات تاریخ و مایه‌ی فخر و مباهات بشریت‌اند. این شخصیت‌ها که زندگی آنان مزین به فضائل و مکارم اخلاقی است، پیوسته در کانون توجه دیگران قرار دارند. شخصیت امام علی(ع) بهترین شاهد برای این مدعاست. تاریخ گواه آن است که این شخصیت یگانه و صاحب همه‌ی کمالات و جامع تمام فضائل، الگو و نمونه‌ی انسان کاملی است، که مایه‌ی اعجاب بسیاری از علما، ادبا، پژوهشگران و بزرگان شیعه و غیرشیعه گشته و آنها را در واکاوی ابعاد وجودی وی و تکریم از شخصیت والای او برانگیخته است.

ریمون قسیس شاعر مسیحی معاصر لبنانی یکی از محبان و شیفتگان امام علی(ع) است که با سرودن قصیده‌ای بلند درباره‌ی شخصیت وی و اثر ماندگارش نهج‌البلاغه عشق و ارادت خود را نسبت به ایشان ابراز کرده است. او در این قصیده که در کتابی با نام «علی الفارس الفقیه الحکیم» منتشر شده، به توصیف جنبه‌هایی از ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت و گوشه‌هایی از امتیازات و محاسن نهج‌البلاغه پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که صفت شجاعت، تقوی، حق‌طلبی، پاکدامنی و جوانمردی بیشتر از دیگر صفات در وجود علی(ع) نظر او را به خود جلب کرده است. همچنین به‌دلیل شاعر بودن ریمون محاسن نهج‌البلاغه از جنبه‌ی ادبی، بیشتر از سایر جنبه‌ها در کانون توجه او قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، نهج‌البلاغه، ریمون قسیس.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

* نویسنده مسئول

مقدمه

تاریخ همواره نظاره‌گر خلقت افراد مختلف بشر است، که هریک پس از چند صباحی زیستن در جهان هستی آن را وداع گفته و رهسپار دیار باقی می‌شوند. در این میان نام برخی پس از ترک این سرا برای همیشه به بوته‌ی فراموشی سپرده شده و نام برخی تا ابد جاودانه می‌ماند. این جاودانگی مرهون رفتار نیک و کردار شایسته‌ی آنهاست، که موجب عظمت شخصیت ایشان می‌گردد.

چنین افرادی که تاریخ به بزرگی آنها می‌بالد، دارای جایگاه و منزلت منحصر به فردی هستند، که در طی قرون و اعصار مختلف الگو و سرمشق همه‌ی انسان‌ها قرار می‌گیرند. امام علی(ع) نخستین امام شیعیان یکی از بارزترین مصادیق این واقعیت می‌باشد. بررسی‌ها حاکی از آن است که این شخصیت بی‌بدیل جامع همه‌ی فضیلت‌ها و سرچشمه‌ی همه‌ی خوبی‌هاست. فضائل این امام همام آن قدر بی‌شمار است که رسول خدا(ص) درباره‌ی آن چنین فرموده‌اند: «اگر درختان قلم شوند و دریاها مرکب و جنیان حساب‌گر شوند و آدمیان نویسنده، نمی‌توانند فضائل علی را بر شمرند» (ملک‌محمدی، ۱۳۹۲: ۸۳).

سخن در باب فضائل آن حضرت بسیار است و هر کس که در این زمینه قلم‌فرسایی کند، نمی‌تواند آن‌طور که باید شخصیت بی‌مانندش را بشناسد و او را به دیگران بشناساند؛ زیرا شناخت عمیق وجود با عظمتش فقط منحصر به خدا و رسول اوست، چنان‌که پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده است: «ای علی کسی جز خداوند و من، تو را به‌طور کامل نشناخت» (ری‌شهری، ۱۴۲۱: ج ۱/ ۱۸۵).

براساس این قول اگر چه احاطه به همه‌ی زوایای شخصیتی علی(ع) میسر نمی‌باشد؛ اما این موضوع نباید سد راه پژوهشگران و محققان شود و آنها را از کاوش درباره‌ی سجایای اخلاقی آن امام والا مقام باز دارد.

همان‌طور که نقل شده ذات پاک آن حضرت به انواع صفات پسندیده زینت یافته بود. تقوا در رأس این صفات است. اکثر مورخان اتفاق نظر دارند که «امام علی(ع) اولین کسی است که به دین اسلام گروید و به پیامبر خدا ایمان آورد» (صدر، ۲۰۰۳: ۱۷). «صلابتش در ایمان به‌حدی بود، که هرگز آن را به شرک نیالود و لحظه‌ای از اطاعت خدا و پیامبرش روی برنرفت» (عباس‌نژاد، ۱۳۸۸: ۶۶).

شجاعت از دیگر صفات ممتاز علی(ع) است. «او مظهر کامل و مصداق حقیقی شجاعت بود» (ناظم‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۹۷). «از هیچ جنگی نگریخت و از هیچ سپاهی نهراسید. با هیچ کس به مبارزه برخاست، مگر آنکه او را کشت یا اسیر کرد. هیچ ضربه‌ای فرود نیاورد، که نیازمند ضربه‌ی دیگری باشد، ضربه‌ی وی یکی بود و دو تا نمی‌شد» (مغنیه، ۱۳۸۶: ۷۲).

شجاعت علی(ع) شجاعتی منحصر به فرد و توأم با چشم‌پوشی و گذشت بود. «پاکدلی و صفای ضمیر و عفو امیرمؤمنان نسبت به دشمنان به‌حدی بود، که به جرأت می‌توان گفت که نظیر آن از هیچ سردار جنگی در هیچ زمانی دیده نشده است. پس از خاتمه جنگ کمترین کینه‌ای از دشمنانی که به خونریزی شخص او و یارانش بر می‌خاستند در سینه‌اش باقی نمی‌ماند» (صدر، ۱۳۹۶: ۳۱). «علی(ع) در چنین

ویژگی که از لحاظ اخلاقی مروت و جوانمردی نامیده می‌شود، نیز به اوج رسیده بود» (درویش، ۲۰۰۴: ۸۰)؛ بنابراین شخصیت والای او علاوه بر ایمان و شجاعت به صفت جوانمردی نیز مزین شده بود. سخاوت صفت دیگری از صفات بارز علی(ع) است. «او در سخاوت بی‌مانند بود؛ زیرا هرچه داشت در راه خدا می‌داد» (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۸). «او در این صفت به قدری شهرت یافته بود، که کعبه‌ی آمال مستمندان و بیچارگان شده بود و هرکس که نیازی داشت، دست حاجت به خانه‌ی آن پیشوای راستین دراز می‌کرد» (ناظم‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

وجود با عظمت امیرمؤمنان علاوه بر صفات مذکور به نیک‌خلقی نیز آراسته است. «او اسوه‌ی خوشرویی و حسن‌خلق بود، تا جایی که رسول اکرم(ص) در این باره فرموده‌اند: علی(ع) خوش‌ترین مردمان است» (عباس‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

صبر نیز یکی دیگر از صفات زینت‌بخش شخصیت آن حضرت است. «او نه تنها در همه‌ی حوادث و مصائب صابر و خویشتن‌دار بود، بلکه به درجه‌ی عالی صبر که مقام رضا و تسلیم است هم رسیده بود» (ناظم‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۴۴).

حق طلبی نیز جزء خصایل پسندیده‌ی امیرمؤمنان(ع) است. «او بعد از اینکه که گرفتن حق را به‌عنوان یک خطمشی بر خود عهد کرد، اثبات نمود که او بی‌مانندی است که نسبت به حق هر نوع و هر مقداری که باشد هیچ مسامحه و تعللی ندارد» (درویش، ۲۰۰۴: ۱۴۹).

تواضع نیز در زمره‌ی خصال نیک علی(ع) است. «فروتنی در تمام حالات چه در جنگ و چه در صلح، چه در حال قدرت و چه در حال ضعف از خصوصیات بارز او بود. هیچگاه خود را تافته‌ی جدا بافته نمی‌دید و برتر از دیگران نمی‌پنداشت» (ناظم‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۳۲).

علی(ع) در علم نیز زبان‌زد می‌باشد. «ایشان در این صفت نیز بی‌همتا بود، تا آن‌جا که برخی سخن گفتن درباره‌ی علم او را تشبیه به دریانوردی در دریای متلاطمی نموده‌اند، که رسیدن به ساحل آن امکان‌پذیر نمی‌باشد» (درویش، ۲۰۰۴: ۴۹). در توصیف دریای بی‌کران علم او همین بس که «پیامبر اسلام(ص) فرمود: من شهر علم و علی در آن است، پس هر که علم را طلب کند، باید از آن وارد شود» (خلیلی، ۱۳۸۷: ۲۳).

علی(ع) در عدل نیز شهره است. او در اجرای عدالت به حدی قاطع و جدی بود، تا جایی که گفته شده: «علی(ع) به دلیل شدت عدلش در محراب به شهادت رسید» (درویش، ۲۰۰۴: ۱۴۶).

آن‌چه درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی امیرمؤمنان(ع) بیان شد، شمه‌ای از مکارم این اسوه‌ی اخلاق است که باعث درخشش نامش بر تارک تاریخ گشته و قلب انسان‌های حقیقت‌جو و پاک‌سرشت را به خود جذب نموده است. تحقیقات نشان می‌دهد، که علاوه بر شیعیان عده‌ی بی‌شماری از اهل سنت و غیرمسلمانان نسبت به او ابراز عشق و ارادت نموده و درباره‌ی شخصیت بی‌مانندش اظهارنظر کرده و به مدح و ستایش او پرداخته‌اند. بدون شک آراء و نظرات ارائه شده درباره‌ی سجایای اخلاقی پیشوای اول شیعیان از سوی پیروان دیگر مذاهب بیانگر محبوبیت او نزد آنها و نیز شیفتگی آنها نسبت به اوست، که

در سخنانشان تجلی نموده است. این دسته از مجبان غیرشیعی آن حضرت اوصاف و مناقب او را به اشکال مختلف و در قالب نظم و نثر به تصویر کشیده‌اند. ریمون قسیس شاعر مسیحی معاصر لبنانی از جمله‌ی آنهاست، که با سرودن قصیده‌ای طولانی در مدح امیرمؤمنان ضمن ابراز ارادتمندی به ایشان با ترسیم ویژگی‌های منحصر به فرد این شخصیت استثنایی و اثر بی‌نظیرش نهج‌البلاغه او را از نگاه خود به دیگران معرفی کرده است.

در مقاله حاضر سعی بر آن است، که قصیده‌ی یاد شده مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، تا پاسخ جامعی برای سؤالات ذیل به دست آید.

۱. کدام یک از ویژگی‌های علی(ع) نظر ریمون را به خود جلب کرده و در اثر او بازتاب یافته است.

۲. ریمون چگونه ویژگی‌های آن حضرت را در اثر خود منعکس نموده است.

به منظور یافتن پاسخی برای سؤالات مذکور در ادامه ضمن ارائه‌ی توضیحی مختصر درباره‌ی زندگی

نامه شاعر، قصیده یاد شده به طور اجمالی معرفی و سپس مورد بحث و بررسی واقع می‌شود.

اشاره‌ای گذرا به زندگی و آثار ریمون قسیس

ریمون قسیس به سال ۱۹۳۹ در زحله (یکی از شهرهای لبنان) دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه «قدیس یوسف» شد. وی در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد و اشعار مختلفی در موضوعات متنوع تاریخی، اجتماعی و دینی سرود. قصیده‌ی بلند او در مدح علی(ع) که پیشتر به آن اشاره شد، شامل دویست و یازده بیت است، که در سال ۱۹۷۹ به سرودن آن پرداخت. این قصیده سپس در کتابی با نام «علی الفارس الفقیه الحکیم» منتشر شد. او درباره‌ی چگونگی آشنایی‌اش با علی(ع) و علت سرودن قصیده می‌گوید: هنگامی که به دبیرستان راه یافتم، با شنیدن چیزهایی درباره‌ی علی(ع) و اخلاق نیکوی او عاشق شخصیتش شدم و زمانی که دریافتم او پسر عموی پیامبر (ص) است، برای آشنایی بیشتر با وی به خواندن نهج‌البلاغه روی آوردم و در بعضی از خطبه‌ها، حکمتها و نامه‌ها تأمل کردم. این امر وجودم را به لرزه در آورد و شروع به سرودن قصیده‌ی حماسی «علی الفارس الفقیه الحکیم» نمودم (www.Resalat-news.com, www.browall.com).

ریمون قصیده را به یازده قسمت تقسیم کرده و در لابه‌لای ابیات آن ضمن توصیف پاره‌ای از فضایل و مکارم اخلاقی علی(ع) و ذکر مسائل تاریخی، به محتوی و مضمون برخی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه و نیز امتیازات و مزایای این کتاب اشاره نموده است.

بدون شک پرده برداشتن از دیدگاه شاعر درباره‌ی شخصیت علی(ع) و کتاب نهج‌البلاغه مستلزم بررسی

قصیده است، که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های شخصیتی علی(ع) از نگاه ریمون

شجاعت

شجاعت از بارزترین صفات علی(ع) است، که شیعه و غیرشیعه بر آن اتفاق نظر دارند. ریمون قسیس نیز در اتصاف این صفت به آن حضرت با سایر صاحب نظران هم عقیده است. او در قصیده‌ی خود بیشترین ابیات را در مقایسه با دیگر صفات علی(ع) به این صفت اختصاص داده و با توصیف دلاوری‌های او در صحنه‌های نبرد، این صفت را در وجود ایشان به تصویر کشیده است. ابیات زیر بیانگر این مسأله است:

بِذِي الْفَقَارِ الَّذِي لَوْلَاكَ مَا كَانَا يَا فَارِسَ السَّاحِ كَمْ أَرَدَيْتَ فُرْسَانَا (قسیس، بی تا: ۱۳)

با ذوالفقاری که اگر تو نبودی آن نیز نبود، ای قهرمان میدان نبرد، چه بسیار قهرمانانی را که از پای درآوردی.

أَيْسَنَ «إِبْنُ وَدٍّ» يَصِيحُ الْفَقْرُ مُرْتَعِدًا أَصْمَى مَنِيَّتَهُ كُفْرًا وَبُهْتَانًا (همان: ۱۳)

«ابن‌ود» کجاست؟ بیابان لرزان فریاد بر می آورد، که او به علت بی ایمانی و افترا به سرنوشت خود ضربه‌ای کاری وارد کرد.

فِي «خَنْدَقٍ» طُمِرَتْ أَصْدَاءُ صِيحَتِهِ فَزَالَ مَنْ مَلَأَ الْكُثْبَانَ كُفْرَانَا (همان: ۱۳)

پژواک نعره‌اش در خندق دفن شد، بدین سان کسی که تپه‌ها را با کفر آکنده بود، ناپدید گردید.

و هَكَذَا «خَيْرٌ» وَالْخَصْمُ مُحْتَدِمٌ يُعَايِنُ الْمِغْفَرَ الْمَقْدُودَ خَشْيَانَا (همان: ۱۴)

و خیر نیز این چنین شد، درحالی که دشمن خشمناک بود و هراسان به کلاه خود تکه تکه شده می‌نگریست.

و هَامَهُ أَنْفَتَ إِذْ صَانَهَا حَجْرٌ لَكِنَّمَا ضَرِبَهُ أَوْدَتَ بَمِنْ صَانَا (همان: ۱۴)

وسری که با تکبر سرباز زد؛ زیرا سنگی آن را محافظت می‌کرد، لیکن ضربه‌ای به فنا سپرد، آن کس را که سنگ محافظ او بود.

فَجُنْدِلَ الْفَارِسُ الْغَطْرِيسُ مُلْتَحِفًا دِمَاءَهُ كَفْنَا وَالْخُسْرَ عَنَانَا (همان: ۱۴)

بدین ترتیب قهرمان متکبر به زمین افتاد، درحالی که خونش را به عنوان کفن و ضرر را به عنوان نشان به خود پوشاند.

چنان که ملاحظه می‌شود، شاعر در بیت اول امام را با عنوان قهرمان کارزار مخاطب قرار داده و سپس از هلاک شدن قهرمانان بسیار به وسیله‌ی ایشان سخن به میان آورده است. عمروبن عبدود که کفر و بی دینی‌اش جزیره‌العرب را فراگرفته بود، از جمله‌ی آن جنگاورانی است، که توسط او در جنگ خندق از پای درآمد، چنان که در بیت دوم و سوم به این موضوع اشاره شده است.

مرحب یهودی نیز از دیگر قهرمانانی است، که در جنگ خیبر به واسطه‌ی امام علی(ع) بینی‌اش به خاک مالیده شد. او از دشمنان سرسختی بود، که از پذیرش حق سرباز می‌زد؛ اما در آن جنگ حضرت به مبارزه با او برخاست و کلاه خودش را تکه تکه کرد و او را با یک ضربه نقش زمین کرد. همان طور که در

بیت چهارم، پنجم و ششم به این امر تصریح شده است. ریمون شجاعت و دلیری امام را فقط در جنگ خندق و خیبر به تصویر نکشیده است، بلکه در دیگر جنگ‌ها نیز به این موضوع پرداخته است. چنان که در ابیات زیر می‌آید:

و ها جحافلُ «بدر» خُضتَ غمرهم فکنتَ وحِدک جیشاً جاش بُرکانا (همان: ۱۴)

دلیرانه وارد سیل عظیم لشکریان بدر شدی و به تنهایی سپاهی بودی که چون آتشفشان جوش و خروش می‌کرد.

و خُضتَ فی «أحد» و المُشْرِکونَ بَدوا فَرُحْتَ تُوغِلُ فی الأَعناقِ مُرَّاناً (همان: ۱۵)

دلیرانه وارد احد شدی، در حالی که مشرکان ظاهر شدند؛ بدین‌سان همچون نیزه‌ی سخت به گردن‌ها نفوذ یافتی.

و فی «حنین» و فی «صِفین» أَذْهَلْهم سیفٌ أَبادَ زُرُافاتٍ و وحِداناً (همان: ۱۵)

و در حنین و صفین آنها را حیران نمود، شمشیری که گروه و فرد را نابود می‌کرد.

و «النَّهْرَوان» شَرِیکُ الطَّعْنِ فی «جَمَل» ذَحَرْتَ فُرسانَهُم أُسْداً و شُجْعاناً (همان: ۱۵)

و نهروان با نیزه‌زدن هم‌پیمان است. تو در جمل قهرمانان دلاور و شجاع آنها را شکست دادی.

همان‌طور که در این ابیات می‌بینیم، شاعر جلوه‌های دیگری از شجاعت امام را در میدان رزم به نمایش گذاشته است. چنان که نفوذ قهرمانانه‌اش به خیل سپاه در جنگ بدر را به خروش آتشفشان و در جنگ احد به نفوذ نیزه در گردن‌ها مانند ساخته است و از نابودی بسیاری از دشمنان در جنگ صفین و شکست قهرمانان در جنگ نهروان و جمل توسط ایشان خبر داده است.

شاعر در شواهد ذکر شده ضمن اینکه به حماسه‌آفرینی امیرمؤمنان در جنگ‌های مختلف تصریح کرده، از برخی واقعیت‌های تاریخی نیز پرده برداشته است. براساس مستندات تاریخی، جنگ خندق به بهترین شکل رشادت بی‌مانند امام علی(ع) را نشان می‌دهد. «در این جنگ عمروبن عبدود قهرمان نامی عرب از پای در آمد و اگر ایشان نبود، کسی جرأت مقابله با عمرو را نداشت؛ زیرا او به شجاعت معروف بود؛ بنابراین ضربت علی(ع) جنگ را به به نفع مسلمانان خاتمه داد و مدینه را از شر بزرگی نجات بخشید» (خلیلی، ۱۳۸۷: ۸۶).

جنگ خیبر نیز بی‌باکی و سلحشوری علی(ع) را می‌نمایاند. او در این جنگ علاوه بر این که دژ خیبر را گشود، جنگاوران بسیاری را در خون خود غلتاند. مرحب پهلوان بلندآوازه‌ی یهود که دو زره به روی هم در بر کرده و خود بر سر نهاده و سنگ آسیابی را به‌جای سپر در دست گرفته بود، از جمله‌ی آنهاست که توسط ایشان به خاک افکنده شد (قاضی، ۱۳۴۴: ۱۳۶).

جنگ بدر و جنگ احد نیز به دلاورمردی امیرمؤمنان شهادت می‌دهند. برای اثبات این مدعا کافی است که به تعداد مشرکان کشته‌شده توسط آن حضرت در این جنگ‌ها اشاره کنیم. چنان که منقول است «هفتاد نفر از مشرکان در جنگ بدر به هلاکت رسیدند، که در این میان بیست و هفت نفر از آنها به

وسيله‌ی اميرمؤمنان از پای در آمدند» (قزوینی، ۱۹۷۵: ۱۱۵). همچنین «آنها در جنگ احد بیست و هشت تن کشته بر جای نهادند که نیمی از ایشان با شمشیر شهسوار اسلام علی (ع) جان سپردند» (قاضی، ۱۳۴۴: ۱۰۲).

علاوه بر این‌ها جنگ حنین، صفین، نهروان و جمل نیز شیرمردی علی (ع) را نمودار می‌سازند. آن حضرت در جنگ حنین ابوجرول فرمانده سپاه مشرکان را با سی و نه جنگجوی دیگر به کام مرگ فرستاد و در نبرد صفین بیش از پانصد تن را از دم شمشیر گذراند و مانند آن را در جمل و نهروان انجام داد» (مغنیه، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۷).

با توجه به آن‌چه در این شواهد تاریخی بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که نظر ریمون قسیس درباره‌ی شجاعت امام علی (ع) برگرفته از حقایق تاریخی و مطابق با آن است، با این اوصاف روشن می‌شود که توصیف این صفت توسط او نه بر مبنای احساسات شخصی بلکه بر پایه‌ی واقعیتی غیرقابل انکار است که هیچ‌گونه شک و تردیدی در آن راه ندارد؛ زیرا علی (ع) به حق دلیری بی‌بدیل است، پس جای تعجب نیست که دلآوری‌اش آن قدر توجه ریمون را به خود معطوف کند، که در جایی او را جهاد بنامد، جهادی که اوج گرفتن آن منوط به حضور علی (ع) است.

أنتَ الجهادُ فما تشتدُّ صولتُهُ لولاک أنتَ و ما یحتلُّ میدانا (قسیس، بی‌تا: ۲۳)

تو جهاد هستی. اگر تو نباشی، حمله‌ی آن جهاد شدت نمی‌گیرد و آن جهاد میدانی را اشغال نمی‌کند. و در جای دیگری او را عقاب قریش بخواند، عقابی که مدافع خوبان است.

لأنتَ نسرٌ قریش، شمسٌ هدیهِم کفٌ تذودُ عن الأبرارِ عُدوانا (همان: ۲۵)

تو عقاب قریش و خورشید هدایت آنان هستی. دستی که تجاوز را از افراد نیک دفع می‌کند. نکته دیگری که در وصف شجاعت علی (ع) در قصیده‌ی ریمون قابل ذکر می‌باشد، توصیف شمشیرش در میدان نبرد است که این امر نیز بیانگر شرکت او در جنگ و نشانگر شهامت و شجاعت اوست. ابیات زیر مؤید این قول است.

سيفٌ جرأ، و ما أبهاهُ مُنصَلتاً لولا یمینک لم یشتفَ ظمأناً (همان: ۱۶)

شمشیری برنده که چقدر درخشنده و براق است. اگر دست تو نبود آن شمشیر هیچ تشنه‌ای را سر نمی‌کشید.

سيفٌ بکفک، هل إلاک یحملهُ أنتَ العلیُّ «علی» الله ما هانَ (همان: ۱۵)

شمشیری در دست توست، آیا کسی جز تو آن را حمل می‌کند. تو بلند مرتبه ای، علی خداوند منزلت کمی ندارد.

کم لَمعه فی دجاجی النقعِ ساطعهِ فرندُ سَیفک عاطاها و عاطانا (همان: ۱۶)

چه بسیار برق درخشنده‌ای را در تیرگی گرد و غبار که گوهر شمشیر تو به آن تیرگی و به ما ارزانی داشت.

مُوَحَّى إِلَيْكَ بِأَنْ تَسْتَلَّهُ أَبَدًا لَتَمُحُوَ الْبُطْلَ مِنْ آفَاقِ دُنْيَانَا (همان: ۱۶)

به تو الهام شده، که همیشه آن را آخته کنی، تا نادرستی را از دورترین نقاط دنیا بزدایی.

نِعْمَ الْحُسَامُ نَجِيداً كَانِ فَارِسُهُ بِحَدِّهِ ذَكَرٌ لِلْكَفَّارِ أَوْثَانًا (همان: ۲۵)

چه خوب است شمشیر برنده‌ای که قهرمان آن با لبه‌اش بت‌های کفار را خرد کرد.

شاعر در این ابیات به توصیف شمشیر امام علی(ع) پرداخته و ضمن اشاره به برندگی و درخشندگی آن، قدرت نابودکنندگی و نیز حملش را منوط به بودن آن در دست علی(ع) دانسته است. علاوه بر این اذعان نموده که این شمشیر درخشش زیادی در میدان نبرد داشته (بسیار در میدان نبرد مورد استفاده قرار گرفته) و همیشه برای زدودن باطل آخته شده و صاحبش آن را برای مبارزه با بت‌پرستی به کار برده است. مفاهیم ابیات یاد شده، گویای این مطلب است که اولاً عامل کارآیی و تأثیر شمشیر علی(ع) شجاعت و دلیری اوست و اگر این شمشیر در دست کسی غیر از او قرار گیرد، کارآیی و اثر خود را از دست خواهد داد. ثانیاً این شمشیر بی‌خاصیت و بی‌فائده نیست، بلکه همواره به دلیل شجاعت صاحبش کاربرد فراوانی در جنگ‌ها داشته است.

براساس این شواهد می‌توان دریافت که ریمون با به تصویر کشیدن اوصاف شمشیر علی(ع) به شجاعت و دلآوری او اعتراف نموده است.

تقوی

علی(ع) در تقوا پیشوای متقیان و امام پرهیزگاران است. «تقدم او در ایمان مسأله‌ای است که کسی نمی‌تواند آن را انکار نماید» (انور، ۱۳۸۹: ۹۷) این امر از امور تردیدناپذیری است، که ریمون قسیس نیز در قصیده‌اش به آن اذعان کرده است؛ آن‌جا که می‌گوید:

فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ يَمْشِي عَلَي رَشْدٍ وَكَانَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَتْقَانَا (قسیس، بی‌تا: ۴۹)

او اولین کسی بود، که مسیر درست را پیمود و بعد از رسول خدا با تقواترین ما بود.

شاعر در این بیت، ضمن اشاره به تقدم علی(ع) در ایمان آوردن به خدا او را متقی‌ترین شخص بعد از پیامبر(ص) می‌داند. او پس از اینکه به سبقت علی(ع) بر دیگران در تقوی تصریح نموده، از چگونگی بندگی و عبادتش برای خداوند و میزان اعتقادش به او سخن به میان آورده و می‌گوید:

يَعِي إِلَٰهَهُ، فَلَمْ يَعْبُدْهُ أَحِيْلَةً بَلْ وَاقِعًا فَيَرِي بَارِيَهُ رَحْمَانَا (همان: ۲۰)

به خداوند عنایت و توجه می‌نماید و او را از روی حدس و گمان عبادت نمی‌کند، بلکه واقعاً می‌پرستد و یقین دارد که آفریدگارش بخشنده و مهربان است.

شاعر در این بیت از علی(ع) به عنوان عابدی یاد می‌کند، که به‌طور واقعی و از روی یقین و باور قلبی برای خدا بندگی می‌نماید.

ریمون علاوه بر این، در شواهد دیگری از میزان پابندی علی(ع) به ایمان سخن به میان آورده است. ابیات ذیل بیانگر این مدعاست:

عَزَمُ صَلِيبٌ وَّ قَلْبٌ قَانَتْ وَّرِعٌ كَمَ زَادَ عَزْمُكَ لَمَّا اَزْدَدْتَ اِيْمَانَا (همان: ۱۷)

اراده‌ای استوار و قلبی خداترس و با تقوا، چقدر اراده‌ات فزونی می‌گیرد، هنگامی که ایمانت افزون می‌گردد.

مَا رَدَّةٌ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَا وَهْنٌ وَلَا تَمَلُّمٌ يُوْهِي الْعَزْمَ خِذْلَانَا (همان: ۲۱)

هیچ سستی او را از راه خدا باز نمی‌دارد و هیچ آشفتگی اراده‌اش را ضعیف نمی‌کند. مضامین این ابیات بیانگر استواری علی(ع) و ثبات او در اطاعت و فرمانبرداری از خداوند متعال است، که هیچ چیزی نمی‌تواند باعث تزلزل آن گردد.

چنان که ملاحظه می‌شود، ریمون در ابیات یاد شده با صراحت از پیشی گرفتن علی(ع) بر دیگران در گردن نهادن به دین اسلام و نیز اعتقاد راستین او به خالق هستی و پابندی‌اش به ایمان که بیانگر تقوی و پارسایی اوست، سخن به میان آورده است.

حق طلبی

حق طلبی نیز از جمله صفات پسندیده‌ی علی(ع) است. این صفت آن چنان در وجود او تجلی یافته است که پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید: «علی با حق و حق با علی است» (قزوینی، بی‌تا: ۲۴۱). احقاق حق به قدری برای علی(ع) اهمیت دارد، که پذیرش حکومت را فقط منحصر به آن می‌داند، چنان که در خطبه سی و سه نهج البلاغه کفش کهنه‌اش را بر حکومت ترجیح داده و خطاب به عبدالله بن عباس می‌فرماید: «به خدا قسم این کفش نزد من از فرمانروایی بر شما دوست داشتنی‌تر است، مگر که حقی را به پا دارم و باطلی را از میان بردارم» (مبشری، ۱۳۷۵: ۱۶۵).

صفت حق طلبی در وجود علی(ع) همچون دیگر ویژگی‌های شخصیتی او برای ریمون قسیس جالب توجه است. وی برای توصیف ویژگی مذکور از تمییز مرز حق و باطل و اقدام برای یاری حق و زدودن باطل توسط علی(ع) سخن به میان آورده و می‌گوید:

فَرَّقَتْ بَيْنَهُمَا: حَقٌّ لَدَى رَشَدٍ وَ بَاطِلٌ مَاحِقٌ مَا عَادَ بَطْلَانَا (قسیس، بی‌تا: ۱۷)

آن دو را از یکدیگر متمایز کردی: حق استوار و باطل محو شونده که برگشت‌ناپذیر است.

دَحْوَتَهُ بَسِيْدٍ لِّلْحَقِّ نَاصِرِهِ فَانْهَدَّ مَنْ فِي دُجَى دُثْيَاهُ اُغْوَانَا (همان: ۱۸)

با دستی که یاور حق است آن را (باطل را) مسطح کردی (از بین بردی)؛ بدین ترتیب آن کس که در تاریکی دنیای خود ما را گمراه می‌کرد، سقوط نمود.

مضمون این دو بیت بیانگر عنایت علی(ع) به اقامه‌ی حق و راستی و ابطال باطل و نادرستی و تعیین حد و مرز بین آن دوست، که بر صفت حق طلبی در وجود او دلالت می‌کند.

پاکدامنی

پاکدامنی یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی علی(ع) است که از خاندان پاک و مطهرش نشأت گرفته است. این خصلت پسندیده در وجود امیرمؤمنان نیز توجه ریمون را جلب نموده و او را به سخن گفتن از آن برانگیخته است. ریمون با مخاطب قراردادن علی(ع) ذات پاکش را با الفاظ زیر این‌گونه توصیف کرده است.

یا سَاحِقَ الْكُفْرِ، یا اَتْقَى اُئِمَّتِنَا مِشْكَاهُ طَهْرِكَ ضَاءَتِ فِي حَنَائِنَا (همان: ۲۳)

ای نابودکننده‌ی کفر، ای پاک‌ترین ائمه‌ی ما، چراغ پاکی تو در اعماق وجود ما درخشید. شاعر در این بیت طهارت سرشت علی(ع) را به درخشش نور تشبیه کرده و از او به‌عنوان خالص‌ترین و پاک‌ترین پیشوایان یاد می‌کند.

او همچنین در بیت دیگری ضمن اعتراف به صفت سخاوت و بی‌مانندی و روشنفکری در وجود آن حضرت به خلوص و پاک‌ی طینتش اذعان کرده است، چنان‌که می‌گوید:

طَهْرٌ زَكِيٌّ وَ سَمَحٌ نَائِلٌ فَرْدٌ صَفَاءُ فِكْرٍ غَدَا نَعْمَى سَجَائِنَا (همان: ۱۷)

پاکدامنی بی‌گناه و با گذشتی بخشنده و بی‌نظیر، روشنی اندیشه‌ای که مایه‌ی خشنودی خلق و خوی ما گردید.

شاعر در این بیت با دو واژه‌ی «طهر» و «زکی» که دربردارنده‌ی معنی پاک‌ی و خلوص می‌باشند، عفت و پاکدامنی علی(ع) را به تصویر کشیده است. با توجه به آن‌چه که در این دو شاهد ذکر شد، ریمون به صفت پاکدامنی علی(ع) که بیانگر مصونیتش از گناه و عصمت و لغزش‌ناپذیری اوست، اقرار نموده است.

جوانمردی

همان‌طور که پیشتر بیان شد، امیرمؤمنان دلیرانه وارد میدان نبرد می‌شد و از هیچ‌کس و هیچ‌چیز باکی نداشت؛ بنابراین او نماد واقعی شجاعت بود. با وجود اینکه او در شجاعت در اوج قرار داشت و هرگز به دشمن امان نمی‌داد؛ اما هنگامی که دشمن دست بخشش و گذشت به سویش دراز می‌کرد، دست رد به سینه‌اش نمی‌زد و با کمال جوانمردی از کشتن او صرف‌نظر می‌نمود. با این تفاسیر او نماد واقعی جوانمردی نیز بود. ریمون در قصیده‌اش این صفت را نیز در وجود آن حضرت توصیف نموده است. ابیات زیر گواه این مدعاست.

فَإِنْ بَهْ هَتَفْتَ أَصْدَاءَ كَرَّتِهِ لَمْ يَعُدُّ حَتَّى يُلَاقِيَ الْخَصْمَ لَهْفَانَا (همان: ۲۲)

اگر پژواک هجومش او را فرا می‌خواند، یورش نمی‌برد، تا اینکه با دشمن در حالی که اندوهگین است، مواجه شود.

وَإِنْ أَحْسَسَ بَعْفُو لَمْ يَمُدَّ يَدًا كَذَاكَ قَبْلَ أَرَادَ اللَّهُ غُفْرَانَا (همان: ۲۲)

و اگر عفو و بخششی را احساس می‌کرد، دست نمی‌کشید. خداوند این چنین پیشتر گذشت را اراده کرد.
 يَسُوِي عَلَى الْمَوْتِ فِي عَفْوٍ يُبَادِرُهُ يُجِيهَ إِذْ يَغْتَدِي لِلصَّفْحِ مِدْعَانًا (همان: ۲۲)
 با بخششی که بی‌درنگ به آن می‌پرداخت، بر مرگ چیره می‌شد و او را امان می‌داد، هنگامی که به گذشت اذعان می‌کرد.

چنان که ملاحظه می‌شود، شاعر در بیت اول به حمله‌ی بی‌وقفه‌ی علی(ع) برای از پای درآوردن دشمن اشاره کرده و شجاعت او را به نمایش گذاشته است. همچنین در بیت دوم و سوم از عفو و گذشت او نسبت به دشمنی که از ایشان درخواست عفو نموده، سخن به میان آورده است. با تأمل در مضامین این ابیات روشن می‌شود که ریمون به مروت و جوانمردی امیرمؤمنان نیز اذعان کرده است.
 با بررسی به عمل آمده درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی علی(ع) در قصیده ریمون روشن شد، که وی بیشترین اشعار را به توصیف پنج فضیلت ذکر شده در شخصیت آن حضرت اختصاص داده و در موارد اندک و به‌طور گذرا به برخی دیگر از فضائل او در حد یک واژه اشاره نموده است.

نهج البلاغه از نگاه ریمون

نهج البلاغه اثر ماندگار و میراث جاودان علی(ع) است که مانند شخصیت او بی‌همتاست. «این کتاب نفیس مجموعه‌ای است بی‌نظیر از سخنان آکنده از فصاحت و بلاغت علی(ع) که مسائل مختلف علمی، ادبی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد» (شیروی، ۱۳۸۱: ۹۹).

این کتاب گران سنگ به دلیل داشتن امتیازات و مزایای بی‌شمار مایه‌ی اعجاب و شگفتی بسیاری از علما، فضلا، ادبا، دانشمندان و پژوهشگران شده و سبب گردیده که عده زیادی درباره‌ی آن قلم‌فرسایی کنند. ریمون قسیس نیز مانند دیگران پس از آشنایی با نهج البلاغه و مطالعه‌ی آن به شگفت آمده و شگفتی‌اش را با الفاظ مختلف در ابیات ذیل ابراز کرده است.

كَمْ يَطِيبُ لِي التَّجْوَالُ فِي غُرَّرٍ مَلَجَتْهَا بِالْحِجِيِّ، رَصَعْتَ تَيْجَانَا (همان: ۵۵)

و چقدر برای من خوشایند است گردش در گلچینی که تو آن را با خرد آراسته‌ای و با تاج زینت داده‌ای.

حَدَائِقُ زُهْرٍ بِالْبَالِ عَابِقَةٌ أُرْتَادُهَا سَحْرًا جَدْلَانِ سَكَرَانَا (همان: ۵۶)

بستان‌ها و گل‌هایی معطر در قلب که سحرگاه خوشحال و سرمست در آن رفت و آمد می‌کنم.

مِنَ اللَّالِي كَمْ لَمَلَمْتُ مُحْتَرَزًا فَكُلُّهَا كَرَمَتْ صَوَاغًا وَإِتْقَانًا (همان: ۵۶)

چقدر مرواریدهایی را که با احتیاط جمع‌آوری کردم، مرواریدهایی که از نظر شکل و استحکام اصیل هستند.

«فَنَهَجُكَ» الْمُجْتَبَى أَرْهَى مَنَاثِرَنَا بِهِ إِسْتَضَاتٌ وَ خِلْتُ الْعُمَرَ شُطَّانَا (همان: ۵۶)

روش برگزیده‌ی تو مناره‌های ما را روشنی بخشید. من از آن روشنایی گرفتم و عمر را ساحل پنداشتم.

بِهِ الْهَدْيَةُ، لَمْ أْبْرَحْ شَوَاطِئَهُ هِنَا الْبِقَاءُ، هِنَا طَابَتْ نَجَاوَانَا (همان: ۵۶)

هدایت در آن است و من ساحلش را ترک نکردم. اینجا بقا و ماندگاری است، اینجا راز و نیاز ما خوشایند شد.

چنان که می‌بینیم شاعر در این ابیات ضمن بیان احساس مثبت خود نسبت به کلام گهربار امام، با تعابیری چون باغ پر گل خوشبو و مروارید اصیل به وصف آن پرداخته و با تشبیه نهج البلاغه به چراغی روشنی بخش آن را مایه‌ی ارشاد و جاودانگی دانسته و تأکید نموده که هرگز این کتاب برگزیده را ترک نخواهد کرد. علاوه بر این در ابیات دیگری امتیازات و محاسن کلام آن حضرت را برشمرده است. چنان که در بیت زیر روش او را توصیف نموده است.

تَخَطُّ «نَهجًا» بَلِيغًا سَامِيًا عَطِرًا وَالْفِكْرُ يَرْتَادُ أَكْوَانًا وَأَكْوَانًا (همان: ۲۷)

روش بلیغ، عالی و معطری را طراحی می‌کنی، در حالیکه اندیشه در این هستی و آن هستی در رفت و آمد است.

شاعر در این بیت به چگونگی شیوه‌ی امام در تدوین نهج البلاغه اشاره کرده و آن را با تعابیر زیبای مذکور ستوده است. در بیت دیگری به وصف الفاظ و کلمات امام پرداخته و می‌گوید:

لَكَلِمَةٍ مِنْكَ فِي أَبْرَادٍ فِتْنَتِهَا كَالْحُسْنِ يَرْتَادُ سُكْنَى الْبَالِ رِيَانًا (همان: ۳۲)

واژه‌ی تو در ردای فریبنده‌اش، همچون حسن است که آرام و با طراوت در رفت و آمد است. مضمون این بیت بیانگر جذابیت الفاظ در سخنان امام است، که از زیبایی و ظرافت آنها نشأت می‌گیرد. نحوه‌ی گزینش و چینش افکار و اندیشه‌ها در کلام امام نیز به‌وسیله‌ی ریمون توصیف شده است، چنان که گفته است:

يَا لَلْخَوَاطِرِ فِي الْأَذْهَانِ تَحْبِكُهَا فِكْرٌ أَسْوِيًّا، شَجِيًّا النَّسْجِ، فَتَانًا (همان: ۳۲)

چه اندیشه‌هایی را که تو در ذهن‌ها به هم می‌بافی، به شکل اندیشه‌ای درست، گیرا و دلربا. شاعر در این بیت از پیوند دادن افکار مناسب و جذاب توسط امام به شگفت آمده و حسن انتخاب او را در این خصوص تمجید نموده است.

ابتکار کلام امام نیز در قصیده‌ی ریمون به وصف کشیده شده است، همان‌طور که در بیت زیر آمده است.

فِي كُلِّ حَرْفٍ تَرَاءَى الْبَدْعُ وَارْتَصَفَتْ آيٌ تَفُوقُ مَعَا آيَاتِ «سَحْبَانَا» (همان: ۲۸)

در هر حرفی نوآوری آشکار است و معجزاتی که بر معجزات سبحان برتری دارند، در کنار هم چیده شده‌اند.

شاعر در این بیت به تازگی و بی‌سابقه بودن سخن امیرمؤمنان اشاره کرده است و این صفت چنان او را متخیر نموده، که کلام امام را به معجزه مانند ساخته و آن را از سخنان سبحان بن‌وائل خطیب مشهور بالاتر و برتر دانسته است.

از تأثیر کلام آن حضرت در قصیده‌ی ریمون نیز سخن به میان آمده است. ابیات ذیل شاهد این مدعاست.

كما الشُّجَاعَةُ فِي جَنَبِكَ مُورِيَّةٌ بُورِي بِيَانِكَ أَفْكَارًا وَأَذْهَانًا (همان: ۲۷)

همان‌طور که شجاعت در درون تو شعله‌ورکننده است، فصاحت تو اندیشه‌ها و ذهن‌ها را شعله‌ور می‌کند.

بِالْهَيْجِ يَكْمُلُ مَا قَدْ كَانَ مُنْتَقِصًا كَمْ حَكْمَةٍ أَكْمَلَتْ بِالْفِكْرِ نُقْصَانًا (همان: ۷۲)

هر ناقصی با نهج البلاغه کمال می‌یابد. چه بسیار حکمت‌هایی که با اندیشه نقصانی را کامل کرد.

كَذَا عَلِيٌّ يَقُولُ الْقَوْلَ يَشْهَرُهُ كَمَا الْحُسَامُ يَهْزُ الْقَوْمَ شُجْعَانًا (همان: ۶۸)

این چنین علی سخن می‌گوید، در حالی که آن را آخته می‌کند، همان‌طور که شمشیر قوم دلیر را می‌لرزاند.

شاعر در این ابیات به بیان چگونگی تأثیر کلام علی(ع) پرداخته است. در بیت اول با تشبیه کلام او به شجاعتش در ایجاد حرارت و نشاط آن را موجب فعال شدن افکار و اذهان و در بیت دوم آن را سبب از بین رفتن نقائص و کاستی‌ها می‌داند و در بیت سوم آن را در شدت نفوذ به شمشیر آخته‌ای همانند می‌سازد که دلاور مردان را به لرزه در می‌آورد.

ریمون پس از توصیف گوشه‌ای از مزایای کتاب ارزشمند نهج البلاغه کلام آن حضرت را با سخن دیگران مقایسه کرده و می‌گوید:

لَكِنْ حَبِيبَتُ «عَلِيًّا» خَلَّتْ حِكْمَتَهُ فَاقَتْ كَلَامَ سَلِيمَانَ وَلِقْمَانَ (همان: ۷۴)

لیکن عاشق علی شدم و انگاشتم که حکمت او برتر از کلام سلیمان و لقمان است.

شاعر در این بیت ضمن ابراز عشق و ارادت خود به علی(ع) حکمت‌های او را با کلام دو حکیم مشهور سلیمان و لقمان مقایسه نموده و به برتری کلام ایشان بر سخنان آنها اذعان کرده است. این امر حاکی از شدت تأثیر کلام امام و نهایت تأثر او از آن است، که این‌گونه در ابیات قصیده‌اش جلوه گر شده است. به‌طور کلی براساس شواهد بررسی شده درباره‌ی نهج البلاغه می‌توان دریافت که ریمون با نگاه یک ادیب به توصیف محاسن این اثر ماندگار پرداخته و به امتیازاتی از آن اشاره کرده که بیشتر صبغه‌ی ادبی دارند.

تمجید و ستایش نامه‌ی مالک‌اشتر در قصیده‌ی ریمون

ریمون در این قصیده از مضامین و مفاهیم خطبه‌های آفرینش، غراء، أشباح، طاووس، قاصعه، تکاثر و نامه‌ی مشهور امام به مالک‌اشتر سخن به میان آورده است. در این میان نامه‌ی مالک‌اشتر به حدی نظر او را جلب کرده، تا جایی که چند بیت از قصیده را به تمجید و ستایش آن اختصاص داده است. وی تمجید از نامه را با بیت زیر آغاز کرده است.

مِنَ الرِّسَالِ إِحْدَاهُنَّ مُتَّجَعِي فِيهَا الْكَرَائِمُ يَاقُوتًا وَ مَرَجَانًا (همان: ۵۷)

از نامه‌ها یکی پناهگاه من است، درحالی که در آن اشیاء قیمتی چون یاقوت و مروارید وجود دارد. شاعر در این بیت یکی از نامه‌های نهج البلاغه را از دیگر نامه‌ها متمایز ساخته و برای کلام امام در آن ارزش خاصی قائل شده و آن را همچون اشیاء گرانبها دانسته است. شدت تأثر او از نامه‌ی مذکور سبب شده که با دیدی متفاوت به آن بنگرد و به برتری آن اذعان نماید، چنان که می‌گوید.

وَ إِن تَكُنْ أُخْرِيَاتُ سَرَّ مُفْتَنِي فَإِنَّ هَذِي تَفُوقُ الْكُلَّ إِفْتَانَا (همان: ۵۷)

اگرچه دیگر نامه‌ها موجب شیفتگی‌ام شده‌اند؛ اما این نامه در شیفته کردن مافوق بقیه است. مضمون این بیت حاکی از آن است که محتوای این نامه به حدی بر شاعر تأثیر گذارده و او را مجذوب نموده که آن را بر بقیه ترجیح داده است. پس از اعتراف ریمون به فضل و برتری نامه‌ی مالک‌اشتر آن را با ابیات ذیل به وصف کشیده است.

رِسَالَةٌ نَدْرَتْ، أَزْكَتَ بَصَائِرَنَا بِكُلِّ مُزْهَرٍ قَوْلٍ لَاحَ فَيَنَانَا (همان: ۵۷)

نامه‌ی عجبی که به وسیله‌ی سخنان شکوفه داده همچون گیسوان زیبا نمایان شد، باعث رشد بینش و بصیرت ما گردید.

لَوْلَاكَ مَا أَشْتَرُّ مَا مَصْرُ يَوْمِئِذٍ كَتَبْتَ عَهْدَكَ مَنجَاهًا وَ رُضْوَانًا (همان: ۵۸)

اگر تو نبودی در آن هنگام اشتر نبود و مصر نبود. پیمان‌نامه‌ها را نوشتی درحالی که مایه‌ی نجات و خشنودی است.

سَنَنْتَ شِرْعَتَكَ الْكُبْرَى فَقُلْتَ لَهُ قَوْلًا كَرِيمًا حَكِي مِسْكَاً وَ رِيحَانًا (همان: ۵۸)

قانون بزرگت را وضع کردی و برای او سخنی ارزشمند چون مشک و ریحان بر زبان آوردی.

أَمَّتْ بِاللهِ، بِالْأَحْكَامِ عَادِلَةٍ أَصْلَحْتَ، أَنْشَأْتَ لِلْحُكَّامِ إِيْوَانًا (همان: ۵۹)

به خداوند و به احکام عادلانه ایمان آوردی و برای حکام قصری را بنا نهادی.

شاعر در ابیات یاد شده به اظهار نظر درباره‌ی اوصاف این نامه پرداخته است در بیت اول ضمن ستودن الفاظ زیبایش آن را نامه‌ای شگفت‌انگیز خوانده و به نقش آن در شکوفایی بصیرت‌ها اشاره کرده است. همچنین در بیت دوم آن را موجب نجات و خشنودی دانسته و در بیت سوم با تمجید الفاظ و عبارات دلنشینش آن را قانون بزرگ علی (ع) خوانده و در بیت چهارم از آن به‌عنوان قصری یاد کرده که امام برای حاکمان ساخته است.

علاوه بر این در ابیات دیگری به‌میزان صحت و اعتبار مضامین این نامه اقرار کرده و گفته است:

حُكْمَانَا لَوْ أَتَوْهُ يَوْمَ حُكْمِهِمْ لَمَا شَهِدْنَا مَدَى الْأَرْزَامِ حِدْثَانَا (همان: ۵۹)

اگر حاکمان ما هنگام حکومت خود به آن عمل می‌کردند، ما در سراسر روز گار شاهد هیچ حادثه‌ای نمی‌بودیم.

وَمَا اسْتَلَدَّتْ شُكَاوَاهُمْ شُكَاوَانَا (همان: ۵۹)

و اوضاع مردم در هیچ کشوری بحرانی نمی‌شد و شکوه‌های آنها از شکوه‌های ما لذت نمی‌برد. شاعر در این دو بیت از نتیجه‌ی عمل به مضامین عهدنامه‌ی مالک‌اشتر توسط زمامداران در امور حکومت داری سخن به میان آورده و آن را عاملی برای پیشگیری از مشکلات در امور حکام و مردم دانسته است. این موضوع از سویی بیانگر جامعیت و ارزش این عهدنامه در مسائل حکومتی و از سوی دیگر نشانگر مجذوبیت ریمون نسبت به عهدنامه‌ی مذکور در مقایسه با سایر نامه‌ها و خطبه‌هاست تا جایی که او را به مدح و ستایش وا داشته است. هر چند همه‌ی محتویات نهج‌البلاغه اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها در جایگاه خود دارای عظمت و منزلت منحصر به فردی است؛ اما به دلیل اینکه «نامه مالک‌اشتر طولانی‌ترین و جامع‌ترین عهدنامه‌ی امام از نظر محاسن است»، (شیروانی، ۱۳۹۰: ۵۹۷) توجه ریمون را بیشتر از بقیه جلب کرده، همان‌طور که خود او نیز در یکی از ابیات ذکر شده به این امر اعتراف نموده است.

نتیجه‌گیری

براساس بررسی به عمل آمده این پژوهش نتایجی را در بر داشت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: انتشار کتابی با عنوان «علی الفارس الفقیه الحکیم» توسط شاعری مسیحی درباره‌ی شخصیت والای علی(ع) و اثر جاودانه‌اش نهج‌البلاغه شاهد و گواه دیگری از شواهد فراوان تاریخی است که بیانگر اتصاف شخصیتش به صفات پسندیده و مکارم اخلاقی و نشانگر محبوبیتش در میان دیگر مذاهب غیرشیعی است.

توصیف فضائل و محاسن اخلاقی امام اول شیعیان به‌وسیله‌ی یک شخصیت غیرشیعی مثل ریمون قسیس حاکی از وجدان بیدار و آگاه اوست که بدون توجه به گرایش‌ها و تعصبات مذهبی مجذوب صدق و راستی گفتار و کردار ایشان گردیده و درباره‌ی عظمت وجودی و حقانیت کلامش زبان به سخن گشوده است.

اگر چه علی(ع) جامع همه کمالات و صاحب تمام خصال نیکوست و هر صفتی در وجود ایشان قابل ملاحظه و ستودنی است؛ اما ریمون قسیس صفاتی مانند شجاعت، تقوی، حق‌طلبی، پاکدامنی و جوانمردی را در وجود او توصیف کرده است. بر همین اساس به نظر می‌رسد که صفات یاد شده نسبت به دیگر صفات بیشتر توجه شاعر به خود معطوف نموده است.

با وجود اینکه نهج‌البلاغه دارای مزایا و محاسن گوناگون از جنبه‌های مختلف است؛ اما به دلیل اینکه ریمون قسیس شاعر است و با دیدگاه ادیبانه به توصیف نهج‌البلاغه پرداخته؛ بنابراین در ذکر محاسن آن بیشتر جنبه‌ی ادبی را مدنظر قرار داده است.

منابع

- انور هیفا، راجی (۱۳۸۹)، امام علی(ع) در اندیشه‌ی مسیحیت معاصر، ترجمه‌ی مرتضی قائمی و نوذر عباسی، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا، چاپ اول.
- خلیلی، محمدعلی (۱۳۸۷)، زندگانی علی(ع)، تهران: انتشارات اقبال، چاپ اول.
- درویش، السیدطاهر عیسی (۲۰۰۴)، علی کما وصف نفسه، بیروت: دارو مکتبه الهلال، چاپ اول.
- ری‌شهری، محمد (۱۴۲۱)، موسوعه الامام علی بن‌أبی‌طالب، قم: مرکز بحوث دارالحدیث، چاپ اول.
- شیروانی، علی (۱۳۹۰)، ترجمه نهج‌البلاغه، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه. ش.
- شیروی‌خوزانی، مصطفی (۱۳۸۱)، امام علی (ع) در اشعار عربی معاصر، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
- الصدر، محمدباقر (۲۰۰۳)، الامام علی سیره و جهاد، بیروت: دارالمرتضی، چاپ اول.
- صدر، حسن (۱۳۹۶ هـ.ق)، مرد نامتناهی علی بن‌أبی‌طالب(ع)، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ نهم.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۸)، سیره‌ی فردی امام علی(ع)، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- قاضی، نعمت‌الله (۱۳۴۴)، نقشیند راستی علی پیشوای شناخته شده، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ اول.
- قزوینی، محمدکاظم (بی‌تا)، علی(ع) از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کاظمی، قم: چاپخانه علمیه، بی‌چا.
- قسیس، ریمون (بی‌تا)، علی الفارس الفقیه الحکیم، زحله: دار النعیم، بی‌چا.
- میشری، اسدالله (۱۳۷۵)، ترجمه نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.
- مغنیه، علامه شیخ محمدجواد (۱۳۸۶)، فضیلت‌های امام علی (ع)، ترجمه عبدالرزاق سیادت، قم: چاپ اول.
- ملک محمدی، حسن (۱۳۹۲)، سیمای امیرالمؤمنین علی(ع)، قم: مؤسسه انتشارات حرم، چاپ چهارم.
- ناظم‌زاده، سیداصغر (۱۳۸۶)، سیمای پرفروغ، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم.